

دربارهٔ قالی و نقش قالی

شرحی بر عوامل اساسی موثر در تهیه قالی: رنگ آمیزی و هم‌آهنگی، نقشه و نظم موزن نقش، زمینه قالی و نحوهٔ بافت، تهیه پشم برای قالی و بعمل آوردن آن، دربارهٔ رنگهای طبیعی و گیاهی و شیمیائی، چگونگی تهیه انواع رنگها: قهوه‌ای، زردروشن و سیر، آبی و سرمه‌ای، قرمزلاکی، سبزیسیاه و پوست پیازی و صورتی - نقشه و نظم درقالی: استیلزده شده نقوش: نقشهایی از طبیعت: انواع گلها و درختها و برگ درختان، انواع حیوانات چه واقعی و چه تخیلی، نقوش هندسی - مناظر شکار در قالیهایی از قرن شانزده میلادی، طرح گل شاه‌عباسی، اسلیمی، اسلیمی پیچ، اسلیمی پشت دار و انواع نقوش هندسی و خطوط مختلف نسخ، نستعلیق، کوفی - شرحی بر زمینه بافت و استحکام قالی در وصف قالی ایران دیگران کتابها نوشته اند، حتی بعضی از هنرشناسان قالیهای خوش بافت و خوش نقشه ایران را شاهکار صنعت و هنر شمرده اند و آنها را با نقاشیهای ایتالیائی در عهد رنسانس برابر دانسته اند. حتی شنیده‌ام که گروهی قالی ایرانی را مانند یک قطعه موسیقی سمفونیک دارای هم‌آهنگی، تناسب و تنوع و خلاصه مجموعه متناسبی از جزئیات زیبا شمرده اند. اما خود ما شاید از بس قالی و قالیچه دیده ایم دیگر چشمانمان عادت کرده است و حتی بی آنکه متوجه زیبایی آنها شویم بر آنها پا می‌نهیم و می‌گذریم. درحالیکه قالیهای ایران از دیر زمانی زینت بخش موزه‌های بزرگ دنیا قرار گرفته است و هم اکنون می‌توان شکارهای جاویدی از هنرمندان شکیبا و صبور ایرانی در موزه‌های «متروپولیتن» در نیویورک، «ارمیتاژ» در لنینگراد، «ویکتوریا و آلبرت» در لندن، «قیصر فردریک» در برلن، «لوور» در پاریس و موزه «صنایع و هنرها» در وین تماشا کرد. اکنون باید علت زیبایی قالی ایران چیست و چه عامل یا عواملی باعث می‌شود که ما یک قطعه خوش ساخت و بافت قالی را شاهکار صنعت می‌نامیم؟

در هر قطعه قالی که ارزش هنری دارد چند عامل دست بدست می‌دهند و وحدت و هم‌آهنگی میان این عوامل باعث زیبایی هر قالی می‌شود. این عوامل عبارتند از: ۱- رنگ آمیزی و هم‌آهنگی قالی. ۲- نقشه و نظم موزون نقشها. ۳- زمینه و بافت. برای بوجود آوردن یک قطعه شاهکار قالی، قالی‌بافان بزرگ قدم به قدم پیش می‌روند. ابتدا به سراغ پشم برویم. مهمترین و اصلی‌ترین عامل قالی، پشم گوسفند یا کرک گردن یا زیر شکم بز است که قالیهای ظریف از آن بافته می‌شود. البته برای تار و پود قالی نخ بکار برده می‌شود، شک نیست که پشم چیده شده گوسفندان زنده برای این منظور ارجح است. زیرا قالی‌بافان عقیده دارند که پشم گوسفند زنده دارای جلا و سرشار از رنگ زنده است و به همین دلیل همیشه در موقع رنگ کردن پشم، پشم چیده شده را به رنگهای باز و خاصه قرمز اختصاص می‌دهند درحالیکه پشم گوسفند ذبح شده برای رنگهای مرده از قبیل سورمه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته اگر گوسفندان در چراگاههای پرآب و علف چرا کنند و از گیاهان معطر کوهپایه و

کوهستان تغذیه کنند پشم آنها گرانبهاتر خواهد بود. چنانکه پشم گوسفندانی که در چراگاههای دامنه الوند و یا در فراهان اراک مانند ساروق چرا می کنند و از گیاهان معطری مثل شیرین بیان و افسنتین و بابونه تغذیه می نمایند پشمشان دارای تموج خاصی می شود. و قالیهایی که با این قبیل پشمها بافته می شود دارای تموج و تلالؤ خاصی خواهد شد ، و هر چه سالیان بر آنها بگذرد این نوع قالیهها گرانبهاتر خواهد گردید. بعد از تهیه پشم، مرحله شستن و تمیز کردن آن پیش می آید. قالی بافان قدیم، این امر را بسان یک امر مقدس تلقی می کردند و عقیده داشتند که باید پشم و کرک را در آب چشمه صاف و شیرین و سر بشویند . معمولاً برای پاک شدن پشمها چوبک یا برگ درخت زال زالک بکار می برند . البته غیر از پشم گاهی از ابریشم و گلابتون زرین و سیمین هم برای تهیه قالی استفاده می شود مخصوصاً در قدیم که قالیههای ابریشمین ایران شهرت جهانی داشته است. در قسمت رنگ آمیزی اولاً باید دانست که قالیههای ایرانی معمولاً رنگهای نباتی و طبیعی بکار می برند نه رنگهای مصنوعی و شیمیایی . دلیل این ترجیح هم واضح است زیرا جلا و ثبات رنگهای نباتی بیشتر از رنگهای شیمیایی است. درست است که اکنون صنعت رنگ شیمیایی ، به نهایت درجه کمال خود رسیده است و راست است که رنگهای شیمیایی از نظر تنوع بی حد و حساب بر رنگهای نباتی ترجیح دارد و حتی شاید ثبات و دوام رنگهای شیمیایی هم اخیراً از ثبات رنگهای نباتی در گذشته باشد و به علاوه صحیح است که بکار بردن رنگ شیمیایی هم آسانتر و هم سریعتر است تا جوشانیدن نباتات و برگ درختها و گلها و ریشهها و پوست میوه و بدست آوردن رنگ آنها. اما این یک سنت دیرین است که قالیهها به آسانی از دست نخواهند داد. و نباید هم از دست بدهند زیرا هم لمعان و هم درخشندگی و اصالت و هارمونی و گرمای رنگ نباتی بر رنگ شیمیایی و مصنوعی ترجیح دارد. به علاوه گذشت زمان رنگهای طبیعی را پخته تر و کاملتر می سازد چنانکه قالی ایران هر چه بماند و کهنه تر شود، هر چند هم که رنگ پریده تر گردد باز عتیقه تر و گرانبهاتر است. اما در اینکه استادان قالی بافی هارمونی و هم آهنگی رنگها را از همان قدم اول رعایت می کنند، جای گفتگویی نیست. اگر گذارتان به کارگاه قالی بافی افتاده باشد ، دیده اید که گلوله های پشم های رنگین با هم آهنگی خاصی بر پیشانی چهارچوب وصل شده اند . و این رنگها چنان باهم جور شده اند که گویی نقاشی، تکه رنگهای متناسب را بر تخته شستی خود گذاشته است.

اما رنگهای نباتی از نباتات و پوست میوه های زیر بدست می آید:

رنگ قهوه ای - از پوست گردو، پوست انار و مازو.

رنگ زرد روشن سیر - از برگ مو، اسپرگ، توت خولان.

رنگ آبی و سورمه ای - از نیل بنگالی

رنگ قرمز و لاکه - تقریباً مهمترین رنگ قالی ایران رنگ قرمز لاکه است که از نباتات مختلف می توان آن را بدست آورد. تهیه رنگ قرمز و لاکه از روناس و یا قرمز دانه معمول تر است تا از نباتات دیگر. ضمناً سایه های مختلف قرمز با کم و زیاد کردن روناس بدست می آورند. از حشرات کوچکی هم که در کناره دریا یافت می شود و شباهت بساس دارد دانه‌هایی می گیرند که بعد از خشک کردن آنها رنگ لاکه تهیه می شود. آقای هینریش یاکوبی (Heinrich-iacoby) در کتاب «چگونه قالی شرقی را بشناسیم» در ص ۱۲۱ نوشته است که «در هندوستان رنگ لاکه را از یکنوع انگوم می گیرند. به این ترتیب که حشره ای که زیر پوست درخت انجیر هندی زندگی می کند لعابی از خود ترشح می کند که آن لعاب به صورت انگوم بر درخت می چسبد و از همین لعاب است که لاکه می سازند و رنگ لاکه را هم می گیرند. در هندوستان این رنگ را قرمز کچنیل یا لاکه گویند. غالباً در ایران هم برای زمینه لاکه قالیهایشان از همین رنگ استفاده می کنند.» و در همین کتاب در جای دیگر می نویسد: «در ترکیه از حشره‌ای شبیه بساس، رنگ قرمز می گیرند و آن را قرمز ارمنی می گویند».

رنگ سبز - از ترکیب اسپرگ و نیل بنگالی .

رنگ سیاه - از دانه‌ها و برگ بوته خاردار که در قزوین و اراک آن را ورک می گویند (خرنوب - نبطی) و مازو و بقم (برای سیاه مایل به سبز).

برای بدست آوردن سایه های مختلف هر رنگی، رنگ اصلی را به اصطلاح قالی بافان آب رنگ دیگر می دهند، چنانکه مثلاً اگر بخواهند زرد طلائی را بصورت زرد متمایل به نارنجی در آوند ابتدا از اسپرگ و بعد از آب روناس استفاده می کنند. ضمناً می توان از رنگ طبیعی پشم گوسفندان هم استفاده کرد به شرطی که یکدست و رنگین باشد چنانکه می توان پشم سفید، کرم، قهوه ای و یا سیاه طبیعی را بکار برد. اما برای اطمینان خاطر و ضمناً جلای بیشتر بهتر است که به هر صورت پشم را رنگ کرد.

نقشه و نظم موزون نقشها - نقاشی نقش قالی به صورت امروزی که روی کاغذ شطرنجی مربع ترسیم می شود چندان قدیم نیست و حتی امروز هم بسیاری از قالیبافان مخصوصاً در دهات بدون نقشه کار می کنند و فقط عقیده مبهمی نسبت به نقشه در ذهن دارند، درست مثل موسیقی‌دانهایی که بدون نت دستگاههای ایرانی را از بر می نوازند. اما قالی بدون نقشه حسابی البته ارزش هنری و اصیل ندارد. نقشهای قالی ایران طی اعصار و قرون تکمیل شده و به صورت امروزی درآمده است. از جالبترین اختصاصات نقش قالی ایران وجود نقشهای استیلزیه و اشکال منظم موزون هندسی است. شک نیست که نظر نقاشان ایرانی در ابتدا متوجه طبیعت بوده و از طبیعت الهام گرفته اند. اما این نقشهای طبیعی چنان تغییر شکل یافته و استیلزیه شده اند که باز

شناختن اصل آنها بسیار مشکل است و حتی شناختن بعضی از اشکال و نقشهای قالی امکان ناپذیر است. آیا این خاصیت تحت تأثیر نقاشی مینیاتور و تذهیب به قالی راه یافته است؟ آیا این خاصیت فکر لطیف و خیال پرداز ایرانی است که در عین عشق به طبیعت از آن می‌گریزد و سعی دارد مخلوق ذهن خود را بنمایاند؟ آیا بافت قالی و طرز قرار گرفتن تار و پود باعث شده است که نقاش نقشها را استیلزده کند و بصورت اشکال هندسی و منظم در آورد، تا کار بافنده سهولتر گردد؟ درست معلوم نیست، اما در استیلزده بودن اشکال جای هیچ تردیدی نیست. در قالی ایران انواع گلها، درختها، حیوانات و پرندگان بصورتهای طراحی شده یعنی همان استیلزده بکار رفته اند و اشکال هندسی مختلف مثل لوزی، دوزنقه، هشت گوشه و یا شانزده گوشه و یا طرح ترنجی این گلها و درختها را در سینه خود جای داده، هم آهنگی و نظم نقشها را بر عهده گرفته اند. اگر هم این اشکال هندسی بصورت خطوط وجود نداشته باشند، باز بصورتی غیر صریح و مبهم بر نقشها حکمروائی کرده اند. چنانکه می‌توان مثلاً در وسط یک قالی که گلها و برگها و درختها در آغوش هم نقشی را ساخته اند، دور آن نقش را با حدود یک هشت گوشه محدود نمود، بی‌اینکه واقعاً هشت گوشه ای وجود داشته باشد. و همین نظم هندسی است که قالی ایران را با یک قطعه موسیقی هم آهنگ قابل مقایسه می‌نماید. اما نقشهای عمده قالی ایران تقریباً به قرار زیر است:

۱- از گلها و بوته‌ها، گل نرگس، گل داودی، گل زنبق، گل لاله، گل سرخ، گل شبیه به خشخاش با پوست، گل حنا، گل میمون، شکوفه سیب، انار، گل انار و انواع غنچه‌ها در قالی ایران بکار رفته است. بوته‌ها و شاخه‌ها که این گلها بر آنها قرار گرفته اند بیشتر خطوط موزون و متناسب هستند که گوئی تا بینهایت ادامه دارند. و گل‌هایشان پربار و متنوع و رنگارنگ است. این گلها چنانکه گذشت بصورتهای طراحی شده (استیلزده) در قالی بکار برده شده اند و در طی قرون متمادی (لااقل از قرن سیزده یا چهارده میلادی به این طرف) تحولات شگرفی یافته اند. چنانکه مثلاً انار ابتدا بصورت اصلی خود با کمی تفاوت یعنی با داشتن شکوفه‌ای بدنه‌ای نقش می‌شده است و بعدها، گوئی نقاش با چاقوی خود قسمتی از پوست آن را باز کرده است و بعد انگار تمام پوست ترک ترک باز شده و گرد میوه حلقه زده است. و پس از این همه تحول گل معروف به شاه عباسی بوجود آمده است. اگر به گل شاه عباسی در قالی‌هایی که می‌بینید بنگرید هنوز در وسط گل دانه‌هایی از انار هویدا است.

۲- از درختها و برگ درختها - برگ چنار، برگ مو، برگ نخل (با اصطلاح بادزن نخلی پالمت *palmette*)، برگ تبریزی، بید و بید مجنون و سرو و برگهای دیگری که حتی شناخته نمی‌شود (مانند طرح معروف به ماهی درهم که دو برگ متصل بهمند و سر برگها شبیه به سر ماهی است)، این برگها و درختهایشان به حد وفور و به صور گوناگون در قالی ایران بکار برده شده اند. مثلاً همین درخت سرو را بگیریم که در ایران باستان درخت مقدسی بوده است و در نقشهای تخت جمشید هم بکرات برای

تزیین حواشی حجاری‌ها بکار رفته است. داستان سرو مقدس کاشمر و قطع آن حتی در تواریخ و دیوانهای اشعار فارسی ثبت شده است. به هر جهت سرو بصورت‌های گوناگون در قالی ایرانی نقش گردیده است، بصورت مثلث ساده‌ای که وصل بپایه‌ای است، بصورت مخروطی که شعله شمع را می‌نمایاند و بصورت خود سرو با ریشه‌ها و شاخه‌های متعدد و بصورت مخروطی که گلی در وسط دارد و دست آخر بصورت بته جقه. و خود این بته جقه هم تحولاتی یافته است

- از حیوانات و شاخ حیوانات و پرندگان - آهو و گوزن، (مخصوصاً شاخ این دو حیوان بصورت استیلیزه)، سگ، اسب، شیر، گوسفند، ببر، شغال، روباه، خرگوش، پلنگ، انواع مرغان، هدهد، لک لک، طاوس، بوقلمون، بلبل، باز، قوش، پرستو (و پرستو چنان استیلیزه شده است که بیش از دو خط نیمه منحنی متصل به هم از آن چیزی نمانده است.) و حیوانات خیالی دیگر از قبیل اژدها (که شاید تحت تأثیر هنر چین به وجود آمده باشد)، تمام این حیوانات، در نقش قالی ایران بکار برده شده اند. باید دانست که از اواخر قرن شانزدهم میلادی و تقریباً از زمان شاه طهماسب صفوی ایرانیان به اغلب احتمال تحت تأثیر مینیاتور، از مناظر شکار در نقش قالی استفاده کرده اند. این نوع قالیها را باصطلاح اروپائیان قالی شکاری می‌نامند. در این نوع قالیها، انواع پرندگان و حیوانات شکاری با شکارچی پیاده یا سوار که تیر و کمانی یا بازی در دست دارد دیده می‌شود. نوع قالی شکاری خاصه در زمان شاه عباس کبیر که از پربرترین و درخشانترین ادوار هنری ایران است تکمیل شد و در این زمان گلها و نباتات و حیوانات نهایت درجه استیلیزه شدند. طرح گل شاه عباسی منسوب به زمان همین پادشاه است. قالی معروف به منظره شکار که متعلق به امپراطوری اطیش بوده است یکی از بهترین نمونه های قالی دوره صفویه است

۴- اشکال دیگر - اشکال معروف دیگری که در قالی ایران دیده می‌شوند عبارتند از :

الف - طرح معروف به اسلیمی که مسلم نیست آیا از طرح پیچک مو گرفته شده است یا از پیچ و خمهای بدن مار و یا از ابرهای امواج آسمان (۳)؟ به هر جهت نقش اسلیمی چند گونه است: ۱- اسلیمی شبیه به پیچک طراحی شده. ۲- اسلیمی شبیه به مارپیچ که آن را اسلیمی مارپیچ و اروپائیان آن را برجینی می‌گویند. ۳- اسلیمی پشت دار که شباهت به سر فیل با خرطوم دارد و احتمال دارد که استیلیزه همان باشد و بعد هم اسلیمی دوبندی که مشتق از اسلیمی قبلی است. متخصص این نوع اسلیمی (شبیه به سر فیل با خرطوم) آقای هادی اقدسیه استاد نقش قالی هنرستانهای هنرهای زیباست که از شاگردان مرحوم کمال الملک بوده است.

ب - طرحها و اشکال هندسی از همه رقم: این اشکال ساده و معمولی هندسی در نقش قالیهای ایرانی تغییر شکل‌های عجیبی داده اند، غالباً از چپ و راست انحنا یافته، قوس و هلال و پیچ و خم بینهایت پیدا کرده تا جائیکه قالی ایران را بصورت تذهیب

مجسم در آورده اند. اشکال هندسی در قالی ایران عبارتند از مربع، مستطیل، لوزی، دوزنقه، متوازی الاضلاع، هشت گوشه، شانزده گوشه، دایره، بیضی، طرح طاقنمائی (۴) و دالبرهای تودرتو و گوناگون و طرح ترنجی در وسط با لچک در چهار گوشه قالی. این اشکال همه جزئیات و نقشهای گوناگون قالی را احاطه کرده اند و آنها را بصورت مجموعه زیبا و منظم جلوه داده اند. تقریباً کمتر شکل هندسی هست که از آن در قالی ایران استفاده نشده باشد.

ج - خطوط، از خطوط مختلف نسخ، نستعلیق و کوفی مخصوصاً از خط کوفی برای تزئین حواشی قالی استفاده شده است. این خط البته خاصیت تزئینی فوق العاده دارد و به علت زوایای تند آن بافتنش هم چندان مشکل نیست (۵).

د- طرح های بسیار دیگری هم در قالی ایران بکار رفته است که ممکن است از قلم افتاده باشد مثلاً در حاشیه یک قالی، یکبار طرح صلیب شکسته (Swastika) (۶) و دگرگون دیده شده است که تمام حواشی قالی را پر کرده بوده و نیز طرحهایی که در قالیچه های ترکمنی بکار می رود و تقلیدی است از نشان سلطنتی خانواده مینگ در چین (۷).

باید دانست که دست نقاش در نقش قالی آزاد است. او می تواند هر نوع ابداع و ابتکاری که بخواهد در طرحها و نقشهایی که ذکرشان گذشت بنماید. چنانکه در طرحهایی که در این مقاله نشان داده شده دیده می شود که مثلاً یک نوع طرح اسلیمی با حیوانی شبیه حلزون زینت شده است و نوع دیگر اسلیمی با برگهای طراحی شده تزئین گشته است. و همچنین در یک جا شاخ گوزن از برگ موی سربدر آورده است و در جای دیگر از یک بته جقه ای. با یک نظر به کلیه طرحها، دریافته می شود که نقاش هر نوع تصرفی که خواسته است در طبیعت کرده است

زمینه و بافت - برحسب ظرافت و ضخامت قالی باید پشم را نازک یا ضخیم ریسید. (تار) که قالیبافها آن را تون می گویند، اساس زمینه است که از دو سلسله نخهای موازی که یکی جلو دیگری عقب قرار گرفته است و هر دو با چوبی بنام «گرد» پس و پیش می شود، تشکیل یافته است. (پود) که نخ سفید یا به رنگ دیگری است بعد از هر «رگ» که عبارت باشد از یک سلسله «کله» یا «گند» یا «گره» لای ردیف تارها کشیده می شود و بعد از آن شانسه می زنند، بعد از کشیدن پود گرد را می کشند و به این طریق جای ردیف تارها را عوض می کنند و پود دیگری به رنگ آبی یا خاکستری لای ردیف تارها می کشند. این پود دومی پشت بند اصلی و باعث استحکام قالی است. شیرازه قالی را به رنگ قرمز یا هر رنگ دیگری در اول و آخر هر رنگ با چند گره محکم می کنند. اندازه قالی را با گره (که هر گرهی تقریباً هفت سانتی متر است (۲ ۳/۴ اینچ) تعیین می کنند)، در هر گره بسته به ظرافت یا ضخامت پشم، کم و بیش از بیست رگ تا هفتاد رگ بافته می شود.

اکنون پشم‌های رنگین بدار قالی آویزان است قالیبافان در برابر دار نشسته اند و نقشه پیش روی آنهاست و قالی را کله کله می بافند تا شما آن را زیر پای خود ببیندازید.

روناس از زمان صفویه برای رنگ کردن پشم بکار رفته است. ریشه ایست سرخ تیره رنگ که در زمینهای سخت می روید، طرز رنگ کردن پشم با روناس به قرار زیر است : روناس را نرم می ساینند. پشم‌ها از ابتدا با چوبک شستشو می دهند و برای رفع چربی پشم زاج سفید بکار می برند، خاصیت زاج این است که پشم رنگ را زودتر و بهتر جذب می کند. برای رنگ صورتی سیر که مشهور به رنگ پیازی است به ترتیب زیر عمل می کنند: برای یک من پشم چهار من ماست را دور روز در تغار نگه می دارند تا خوب ترش شود. پس از آن پشم های تمیز شده و رشته شده را در تغار ماست می گذارند و لابلای پشم‌ها روناس سائیده شده می پاشند (برای هر سه کیلو پشم چهار کیلو روناس لازم است). اگر پشم‌ها ۴۸ ساعت در تغار ماست و روناس بمانند رنگ صوتی سیر بدست می آید و اگر در ته ماده تغار مزبور مجدداً پشم بگذارند پشم‌های مجدد رنگ صورتی باز به خود می گیرند. بعداً باید پشم‌ها را در آب چشمه زلال و سرد بخوابانند و گاهی پشم‌ها را تکان دهند تا روناسها خارج شود. هر چه مدت خیس کردن پشم‌ها در آب طولانی تر باشد تالو و جلای پشم بیشتر خواهد بود. معمولاً پشم را دوازده ساعت در آب سرد زلال خیس می کنند. برای بدست آوردن رنگ قرمز به ترتیب بالا عمل می کنند و روناس بیشتری به مصرف می رسانند. برای بدست آوردن رنگ قرمز از سه ماده استفاده می کنند:

الف - از قرمز دانه که گیاهی است در گیلان و مازندران می روید.

ب - از حیوان کوچکی بنام قرمز که در غایت سرخی است و به قدر نخودی است. بدبو است و در برگهای درختان زندگی می کند چون به حد طیران برسد تخم کوچکتر از خود می گذارد که برای رنگ کردن ابریشم و پشم بکار می رود (به نسبت یک در ده) بهترین نوع قرمز بنام قرمز دانه قبرسی معروف است.

ج - از کرمهایی که در کناره دریای گرمسیر زندگی می کنند و شبیه خاکشیر است. این کرمها هم به بزرگی یک نخود می رسد و ساحل نشینان این کرمها را جمع می کنند و خشک کرده به مصرف رنگرزی می رسانند (از تحفه حکیم مؤمن نقل یمنی و از اطلاعات قالیبافان متخصص).

قالیبافان قدیمی عقیده دارند که طرح اولیه اسلیمی بدست حضرت امیر (ع) کشیده شده است و نقل می کنند که : «حضرت علی (ع) روزی نقاشان را احضار کرد و گفت چون نقش کردن موجودات جاندار دعوی برابر با خالق است خالی از اشکال نیست . و

خود دایره‌مواجی با شاخه‌های موزون و پر پیچ و خم نقش کرد که همان طرح اسلیمی باشد و این نقش اساس کار نقاشان اسلامی قرار گرفت.

این طرح بیشتر در سجاده‌ها و جای نمازها دیده می‌شود و نموداری است از محراب.

این خطوط هم بیشتر برای تزیین قالیتهایی که برای جای نماز و سجاده بافته می‌شود و برای نوشتن آیاتی از کلام الله مجید بکار برده می‌شود.

این طرح را آقای هینریش یاکوبی سابق الذکر در جائی دور افتاده در قصر داریوش کبیر دیده است (رجوع کنید به کتاب چگونه قالیتهای شرقی را بشناسیم صفحه ۱۲۹). امپراطوری مینگ Ming در چین، از ادوار درخشان هنری و تاریخی چین است. رجوع شود به کتاب چگونه قالیتهای شرقی را بشناسیم تألیف هینریش یاکوبی ص ۱۰۰.

